فعالیت‌های خیریه مساجد

در پیوند با نهضت امام خمینی

□ الهام رجایی
□ توران منصوری

چکیده

این مقاله با محوریت بررسی فعالیت‌های خیریه مساجد تهران در پیوند با نهضت امام خمینی در پی پاسخگویی به این سؤال است که مساجد چگونه و به چه شیوه‌ای به مبارزین انقلابی در دست‌یابی به اهداف انقلابی کمک کرده‌اند؟

بر این اساس با استفاده از روش توصیفی و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای (اعم از کتاب و اسناد منتشر شده و غیر منتشر شده) و مصاحبه با افراد فعال برخی از این مساجد فعالیت‌ها و انواع کمک رسانی مساجد مورد بررسی قرار گرفت. در نهایت طی بررسی‌های صورت گرفته این نتیجه به دست آمد که حمایت‌های مالی از زندانیان سیاسی مخالف رژیم و خانواده‌هایشان، کمک به اشاعهٔ ایدهٔ انقلاب اسلامی در خارج از ایران و امداد رسانی به مناطق محروم ایران، از منظر مبارزان سیاسی ایران یک عامل مهم برای گسترش انقلاب تلقی می‌شد. به‌همین خاطر گروه‌های مبارز برای رسیدن به اهداف و آرمان‌های خود به این امر عنایتی ویژه داشتند و سعی کردند با تقبل بخشی از هزینه‌های نهضت، هم به جذب نیروها و اقشار مختلف بپردازند و هم باعث دلگرمی مبارزین شوند. از این رو مهم‌ترین و مناسب‌ترین مکان جهت رسیدن به مقصود مساجد بوده است که مرکز تجمع این گروه‌ها محسوب می‌شد.

واژگان کلیدی : انقلاب اسلامی، مساجد، صندوق قرض الحسنه، مبارزان سیاسی، روحانیون.

مقدمه

از جمله مراکز و مؤسسات دینی که همواره در طول تاریخ در جهت امداد و کمک رسانی پیش‌قدم بوده است مساجد و حسینیه‌ها هستند که طی سالیان بعد از شکل‌گیری قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ به دلیل ورود اقشار مذهبی و روحانی در مسائل سیاسی و مخالفت‌هایشان با رژیم، این مراکز در موازات با فعالیت‌های عام‌المنفعه خود در امور سیاسی نیز نقش فعالی ایفا کردند. به‌طوری که اکثریت گردانندگان این مساجد، هدف اصلی‌شان پیشبرد نهضت بود و یکی از ابعاد مبارزه آنان علیه رژیم شاه، حمایت‌های مادی و معنوی از مبارزین بوده است. در اکثر موارد مسئولین مساجد با کسب اجازه از امام خمینی، رخصت می‌یافتند تا از طرفی به‌طور شرعی و با ضمانت دینی، به مستمندین کمک رسانی کنند و از طرفی دیگر از این طریق فعالیت سیاسی خود را تحت پوشش قرار دهند. از این رو، مساجد در کنار مؤسسات و مراکز فرهنگی، مذهبی و بازار از جمله نهادهای مؤثر در شکل‌گیری انقلاب اسلامی محسوب می‌شدند. همچنین مساجد کارکردها و نقشهای مختلف تبلیغی، هنری، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در جهت زمینه‌سازی، حرکت، پیشبرد و پیروزی انقلاب اسلامی ایفا کردند.

با توجه به توضیحات فوق، روحانیون فعال در این مساجد را می‌توان به چهار دسته کلی تقسیم نمود:

نخست، رهبران فکری و فرهنگی که از شاگردان ممتاز امام خمینی بودند و از جمله آنها می‌توان به آیت‌الله بهشتی، مفتح، باهنر و استاد مطهری اشاره کرد. دسته دوم علمای شهرستان‌ها مانند قاضی طباطبایی در آذربایجان، دستغیب در فارس، صدوقی در یزد و... که به جهت موقعیت اجتماعی و مذهبی و نفوذی که در شهرهای محل سکونت خود داشتند، نقش مهمی در انقلاب ایفا کردند. در مرتبه سوم، وعاظ و گویندگان انقلابی چون فلسفی، محلاتی، حسینی همدانی، شجونی، معادیخواه و... قرار دارند که با بیان و زبان گویای خود تأثیر قابل توجهی در بیداری افکار عمومی جامعه داشتند. دسته چهارم نیز ائمه جماعات هستند که در مساجد محل خود تأثیرگذار بودند.

□ حمایت‌های مالی از زندانیان سیاسی مخالف رژیم و خانواده‌هایشان، کمک به اشاعهٔ ایدهٔ انقلاب اسلامی در خارج از ایران و امداد رسانی به مناطق محروم ایران، از منظر مبارزان سیاسی ایران عاملی مهم برای گسترش انقلاب تلقی می‌شد

در میان این چهار گروه ضمن آن که هر کدام ویژگی و تأثیر خاصی داشتند، گروه نخست به جهت تولید فکر و اندیشه و بسترسازی فرهنگی لازم برای انقلاب و دگرگونی از اهمیت قابل توجهی برخوردار بودند و با برخورداری از همین روحیات است که ما شاهد ابتکارات بسیار زیاد در این نوع مساجد هستیم. همچنین باید افزود که به دلیل شرایط حاکم بر جامعه ایران آن روزگار، اقشار متعددی از جمله روحانیون احساس نارضایتی داشتند. از مهمترین دلایل نارضایتی روحانیون، مدرن سازی صوری و تقلیدی جامعه ایران بود که مهاجرت بسیاری از اقشار روستایی را به شهرها درپی داشت. روحانیون متعددی هم که در روستاها وظایف و اختیارات گوناگونی از قبیل انجام مراسم مذهبی، حل اختلاقات خانوادگی و غیره بر عهده داشتند به شهرها مهاجرت کردند.(بروجردی، ص ۱۴۵)

با تغییر شرایط و محل سکونت این تازه واردان، راهکارهای جدیدی از سوی طبقه روحانی اعمال می‌شد که متناسب با شرایط جدید بود. با تأسیس نهادها و مراکز عمومی نظیر حسینیه، مهدیه، روضه‌خوانی، دسته و هیئت، انجمن‌های تفسیر قرآن، مدرسه‌های نوین دینی، انجمن‌های اسلامی دانش آموزان و دانشجویان، کتابخانه‌های اسلامی و به خصوص صندوق‌های قرض‌الحسنه ـ که در این زمان گسترش چشمگیری پیدا کرد ـ هم باعث تقویت فرهنگ مذهبی شد و هم باعث گرایش مردم به سوی افراد روحانی که در شناخت این دسته به مردم بسیار مؤثر افتاد.(همان، ص ۱۴۵-۱۴۶) اگر چه شاه تلاش زیادی کرد تا جلوی افزایش قدرت روحانیون را بگیرد اما این فشارها از سوی دولت منجر به گرایش بیشتر و متقابل روحانیون و عامه مردم شد.

با توجه به این توضیحات برای شناخت بیشتر فعالیت های خیریه و انقلابی مساجد، صرفاً فعالیت‌های خیرخواهانه تعداد معدودی از آنها که فعالیتهای گسترده‌ای داشتند ـ شامل مساجد لرزاده، جلیلی، همت، حسینیه ارشاد و قبا ـ به عنوان نمونه مورد بررسی قرار گرفته است که در پی به آن می پردازیم.

۱– مسجد لرزاده

بازاریان به‌دلیل دارا بودن تفکرات مذهبی، ارتباط نزدیک با روحانیت و تمکن مالی همواره از دیرباز جزء سردمداران امداد به انقلابیون داخل و خارج از کشور محسوب می‌شدند. از این رو در راستای اهداف و آرمان‌های امام و نهضت اسلامی دست به ابتکاراتی زدند؛ به گونه ای که با راه‌اندازی صندوق‌های قرض‌الحسنه و یا بنگاه‌های خیریه که نوعی بازار مالی غیر متشکل* بود(ماهنامه بانک و اقتصاد، شماره ۲۳، ص ۱۳ـ۱۴) سعی در برطرف نمودن معضلات مالی مربوط به نهضت امام نمودند. از این رو اولین صندوق قرض‌الحسنه در جنوب شرق تهران توسط گروه مؤتلفه اسلامی در مسجد لرزاده در سال ۱۳۴۶ به نام «صندوق قرض‌الحسنه ذخیره جاوید» تأسیس شد.(www.aftab.com، ۸۶/۴/۱۰) انگیزه اصلی تأسیس آن کمک به محرومان و نیازمندان واقعی بود. در ابتدای فعالیت، وام بلاعوض به نیازمندان پرداخت می‌شد و سپس در چارچوب یک نهاد مالی، به احیای سنت قرض‌الحسنه پرداختند. پس از آن صندوق‌های قرض‌الحسنه دیگری تحت شرایط مشابه فعالیت خود را آغاز کردند، از جمله «صندوق قرض‌الحسنه کوثر» که دومین صندوقی است که توسط بازاریان به وجود آمد.(ماهنامه بانک و اقتصاد، شماره ۳۸، معتمدی، ص۳۷) در سال ۱۳۵۲ سومین صندوق قرض‌الحسنه تهران به نام «صندوق امور خیریه» به منظور پرداخت حداکثر پانصد هزار ریال وام قرض‌الحسنه به واجدان شرایط که سرمایه اولیه آن توسط ۱۲۰ نفر از افراد خیّر تأمین شده بود در تهران تأسیس شد. این صندوق به صورت یک موسسه تجاری(مالی) و بر اساس قانون تجارت به ثبت رسید.(همان، والی‌نژاد،ص۱۵) متعاقباً صندوق‌های قرض‌الحسنه دیگری نیز در سایر شهرهای کشور شکل گرفتند.

□ مساجد کارکردها و نقشهای مختلف تبلیغی، هنری، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در جهت زمینه سازی، حرکت، پیشبرد و پیروزی انقلاب اسلامی ایفا کردند

همچنین رفته رفته با گسترش فعالیت‌های این صندوق‌ها، از آن‌جا که تشکیل آنها را مبارزان سیاسی بر عهده داشتند و افزون بر این، با پرداخت وام‌های بدون بهره، کاسبی بانک‌ها و یهودیان بازار را تا سال ۱۳۵۷ کساد کرده بودند، ساواک به‌شدت از فعالیت صندوق‌ها در هراس بود زیرا این صندوق‌ها روز به روز در حال افزایش بودند. ولی به هرحال به دلیل فشارهای ساواک، تعداد آنها تا سال ۱۳۵۷ از ۲۰۰ موسسه تجاوز نکرد. در آستانه پیروزی انقلاب، صندوق‌ها به طور آشکار و نهان در مبارزه ضد حکومت شاه شرکت داشتند و جزو معتمدان انقلاب قرار گرفتند. این ابتکار که توسط هیئت های مؤتلفه آغاز شده بود تا سال‌های بعد نیز همچنان ادامه یافت.(فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۱۶،ص۵۹)

علی اصغر رخ‌صفت (از اعضای فعال در هیئت‌های مؤتلفه) درباره نحوه فعالیت‌های صندوق‌های قرض‌الحسنه در مسجد لرزاده می‌گوید: «عده‌ای به عنوان مستمند به این مسجد[لرزاده] مراجعه می‌کردند و از کمک‌های این مسجد سوء استفاده می‌کردند. مدتی بعد به این نتیجه رسیدیم که صدقه‌های مردم را در صندوقی جمع‌آوری کنیم و پس از تحقیق این صدقات را به دست محتاج واقعی آن برسانیم. کم‌کم موجودی صندوق‌ها افزایش پیدا کرد و به این نتیجه رسیدیم که بهتر است این وجود انباشته شده صدقه را در مسیر وام قرض‌الحسنه قرار دهیم. یعنی مثل بانک‌ها، دفترچه پس انداز تهیه کردیم و اولین صندوق قرض‌الحسنه در مسجد لرزاده تأسیس شد. البته بعضی از متدینین مسجد معتقد بودند که این کارها صدقه نیست بلکه ربا است، اما با کمک مرحوم آیت‌الله حاج میرزا علی آقای فلسفی امام جماعت روشن‌بین مسجد لرزاده به کارمان ادامه دادیم.» (www.zaker.ir/article.asp)

«صندوق قرض‌الحسنه جاوید» که توسط افراد متدین و مبارزی صورت گرفت که مستقیماً در

عرصه مبارزه حضوری فعال داشتند، هرچند ابتدا در جهت کمک به مستمندان فعالیت می‌کرد ولی پس از چندی به حمایت از گروه‌های مبارز و کمک به زندانیان سیاسی نیز روی آورد.

۲- مسجد جلیلی

مسجد جلیلی در تهران از کانون‌های اصلی تجمع و تشکل نیروهای مبارز مذهبی‌در دوره پهلوی دوم است. فعالیت‌های اصلی این مسجد در سال ۱۳۴۰ش، آغاز گردید(مرکز اسناد، پرونده افخمی، صص۳-۲) ولی پس از مدت کوتاهی فعالیت‌های مسجد، ساواک را بر آن داشت که برای کسب اطلاع از اهداف و برنامه‌های آن، از راه‌های گوناگونی چون حضور دائمی مأموران ساواک در مسجد، اقدام‌کند.(مرکز اسناد، پرونده قاضی طباطبایی، ص ۸) به دنبال همین سخت‌گیری‌ها بود که در ۱۳۴۹ش، ساواک مانع تشکیل جلسه‌های اعضای مسجد در صبح‌های‌جمعه شد. به‌این ترتیب، جلسه‌ها به صورت چرخشی در هفته اول هر ماه در منزل یکی از اعضا برگزار می‌گردید.(مرکز اسناد، پرونده قاضی، صص۹-۸)

یکی از ویژگی‌های مسجد جلیلی، دعوت از خطبای سیاسی و انقلابی بود که مهم‌ترین عملکرد مسجد به شمار می‌آمد و مخاطبان خاصی را به مسجد می‌کشاند.(هاشمی رفسنجانی، صص۹۲۳-۹۲۲) در گزارشات ساواک مسجد جلیلی پایگاه مبارزه عناصر«متعصب مذهبی» و «عناصر منحرف» بوده و از این رو آیت‌الله مهدوی کنی نیز به‌عنوان «روحانی افراطی» محسوب می‌شد که به‌دلیل فعالیت‌های مبارزاتی به سه سال تبعید در بوکان محکوم شد.(مرکز اسناد، پرونده مهدوی کنی، صص۲۰-۱۹)

فعالیت‌های فرهنگی و خیریه مسجد جلیلی

مسجد جلیلی در کنار برنامه‌های متعدد خود، از برنامه‌های آموزشی برای رشد و تربیت و آگاهی جوانان بهره جست و برای جذب جوانان به مبانی اسلامی، کلاس‌های تقویتی متعددی را برای دانش آموزان به صورت رایگان بر پا می‌کرد. آموزش رایگان مواد درسی دبیرستانی از اقدامات این مسجد بود.

□ اولین صندوق قرض‌الحسنه در جنوب شرق تهران توسط گروه مؤتلفه اسلامی در مسجد لرزاده در سال ۱۳٤٦ به نام «صندوق قرض‌الحسنه ذخیره جاوید» تأسیس شد

مواد آموزشی، افزون بر مسائل‌دینی و آموزش قرآن، شامل فیزیک، شیمی، ریاضیات، زبان‌انگلیسی و معارف‌اسلامی نیز بود که در کلاس‌های تقویتی و تجدیدی تدریس می‌شد. با افزایش دانش‌آموزان، کلاس‌های درس به مسجدالجواد در میدان هفتم تیر کنونی، که‌امکانات بیشتری داشت، منتقل گردید.(مرکز اسناد، پرونده گل افشانی، صص ۲۸-۲۷) ساواک در این باره این طور گزارش می‌دهد:

«آن‌گاه در پایان جلسه پیرامون کلاس‌های تدریس برای تجدیدی‌ها مذاکره گردید و قرار شد گل افشانی، امینی، دهقانی، نقاش‌زاده، وفایی، لواسانی، امامی رضوی و چینه‌کش(دبیر) در این زمینه همکاری کنند و نظامت و تدوین برنامه به عهده لواسانی گذارده شد...قرار شد در خود مسجد جلیلی روزانه دو کلاس برای تجدیدی‌ها تشکیل شود. شرکت کنندگان در این کلاس‌ها از دانش آموزان سیکل اول دبیرستان‌ها خواهند بود و شهریه از آن‌ها اخذ نخواهد شد. هدف از این برنامه‌ها نیز بالا بردن مبانی دینی دانش آموزان در سایه کلاس‌های تقویتی خواهد بود...ضمناً بنا بر توصیه مهدوی پیشنماز مسجد، اصول عقاید و فقه هم در برنامه گنجانیده شده است که مطالب به صورت اوراق پلی کپی در اختیار دانش آموزان قرار گیرد.» (مسجد جلیلی به روایت اسناد ساواک، ص۳۱۸)

در سند دیگری مورخ ۵۰/۰۴/۰۷[۱۳] در این باره آورده شده است: «جلسه مذکور در تاریخ ۵۰/۰۵/۲۹[۱۳] در کتابخانه مسجد جلیلی با شرکت اسدالله نقاش‌زاده، مهندس گل افشانی، حسن لواسانی افجه‌ای، جلیلی، هوشنگ دلشاد و چند نفر دیگر تشکیل گردید. در این جلسه درباره تشکیل کلاس‌های درس مجانی برای شاگردان تجدیدی بحث و قرار شد که یک آگهی هم در روزنامه بدهند و با تهیه کارت‌هایی، ثبت نام نزد دلشاد به عمل آید.» (همان، ص۲۷۰)

و در سندی مورخ ۵۲/۰۲/۲۴[۱۳] نمونه دیگری از این کمک رسانی‌ها را می‌توان دید:
«از جمله در مورد پرداخت شهریه دختر خانمی که دانشجوی مدرسه عالی دختران بود که از طرف کمال فلسفی پسر محمدتقی فلسفی توصیه شده بود اقدام گردید.» (همان، ص۳۵۹) همچنین مسجد بخش زیادی از هزینه‌های فرزندان افراد عضو را جهت تحصیل متقبل شده و در این راستا نیز تلاش‌های زیادی از سوی اعضاء صورت گرفت. و بر طبق سندی در تاریخ ۱۳۴۹/۰۶/۱۷ یکی از دغدغه‌های اعضای مسجد برطرف کردن این مهم بود.
«تواناییان پیشنهاد کرد چون با شروع فصل پاییز و باز شدن مدارس خرید لوازم‌التحریر مشکل می‌شود بهتر است برای فرزندان افراد عضو شرکت به طور یک‌جا بنا به تقاضای آنها لوازم‌التحریر به قیمت تجارتی خریداری و در بین آنها توزیع گردد و برای تبلیغ شرکت، مهرهای لاستیکی با شعارهای اسلامی تهیه و روی دفترچه‌ها و کتاب‌های خریداری شده زده شود.»(همان، ص۲۱۲)

کمک به محرومین

اسناد زیادی از گزارش‌های ساواک وجود دارد که از امور خدماتی، کمک رسانی و امداد این مسجد به محرومین و مستضعفین حکایت می‌کند. خرید ذغال برای سوخت زمستانی مستمندان، صندوق تعاون خیریه اجتماعی، انجمن عیادت از بیماران، شرکت سودبخش (نجات) از جمله اموری بود که از سوی مسجد جلیلی به صورت مستمر پیگیری می‌شد.(مسجد جلیلی به روایت اسناد ساواک، ص ۹۱) و با توجه به اسناد موجود، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که بیشتر فعالیت‌های این مسجد به شدت تحت نظر مأموران ساواک بود و مستمراً جلسه‌ها و فعالیت‌های این مرکز را به مسئولین ذی‌ربط گزارش می‌دادند، از جمله:
در تاریخ ۴۵/۱۰/۲۳[۱۳] مأموران ساواک گزارش می‌دهند:
«همچنین قبض‌هایی در دست مهندس قلی‌زاده بود که به نام جمع‌آوری اعانه برای خرید ذغال جهت مستمندان در ایام زمستان بود و هر قبض آن را ۱۰ ریال به فروش می‌رسانید که یک

□ «صندوق قرض‌الحسنه جاوید» در مسجد لرزاده، هرچند ابتدا در جهت کمک به مستمندان فعالیت می کرد ولی پس از چندی به حمایت از گروه‌های مبارز و کمک به زندانیان سیاسی نیز روی آورد

نسخه از آن به پیوست می‌باشد... نظریه منبع - مهندس قلی زاده با کمک رضا تقدسی مبادرت به چاپ این قبوض نموده و کارت پخش ذغال بین مستمندان توسط آنان به افراد مستحق داده می‌شود. نظریه رهبر عملیات- به نظر می‌رسد مهندس قلی‌زاده همان اعظم قلی‌زاده پاشا می‌باشد علیهذا اقداماتی جهت تعیین صحت و سقم موضوع در جریان است.»(همان، ص۲۴)

یکی از مصادیق دیگر که نشانگر فعالیت‌های عام‌المنفعه این مسجد می‌باشد به زلزله استان خراسان که در تاریخ ۱۳۴۷/۶/۹ و با قدرت ۷/۸ ریشتر این استان را لرزاند، باز می‌گردد. جمعیت شیر و خورشید در آن زمان اعلام کرد در طی این حادثه ده هزار نفر جان خود را از دست دادند.(یاران امام به روایت اسناد ساواک، شهید حجت الاسلام دکتر محمد جواد باهنر، ص۲۱۶) به دنبال این حادثه طی جلسه‌ای که توسط متصدیان مسجد جلیلی برگزار شد سعی شد روح تعاون را در بین مردم بگسترانند. سخنران آن که شهید دکتر باهنر بود در این حادثه وظایف انسانی را جهت کمک و یاری به هم نوعان بیان نمود و متذکر شد که جامعه‌ای که در آن روح تعاون و همکاری بیدار باشد هیچ‌گاه دچار انحطاط و هرج و مرج نخواهد شد. پس از این اظهارات محمد رضا توانا مقداری قبوض اعانه که از طرف مسجد جلیلی چاپ و به معرض فروش گذاشته بودند در جلسه آورد و به کمک خلیل شالچی، محمد صادق قاضی طباطبایی، محمد مهدی اندوهی مقداری از آنها را به فروش رساند و حاضرین نیز جهت کمک به زلزله زدگان قبض‌های تهیه شده را خریداری نمودند. طبق اظهار خلیل شالچی و محمد رضا توانا مبالغ جمع آوری شده از حاصل فروش قبض‌های اعانه به مصرف ساختمان سازی برای زلزله زدگان رسید این ساختمان‌ها به نظارت خود اعضای مسجد جلیلی ساخته می‌شد. بخشی از این پول‌ها در اختیار یکی از سازمان‌های مذهبی نظیر حسینیه ارشاد و یا مراکز دینی دیگری قرار می‌گرفت.

گردانندگان مسجد بر این باور بودند که با تحویل وجه فوق به سازمان‌های دولتی این پول حیف و میل خواهد شد. لذا بخشی از وجوه جمع آوری شده در تهران و قم به آیت‌الله مرعشی نجفی، شریعتمداری و گلپایگانی تحویل داده می‌شد تا زیر نظر اینان اقدامات متقضی جهت خانه سازی انجام گیرد.(همان، صص۲۱۷-۲۱۶)

این مسجد در پی فعالیت‌های عام‌المنفعه خود صندوق قرض‌الحسنه‌ای تشکیل داد. این فعالیت مسجد، مبتکرانه و بسیار مفید بود که شامل کمک رسانی به اقشار کم درآمد و یاری رساندن به مستمندان می‌شد. به همین منظور گروه «مددکاران بیماران مستمند» در سال ۱۳۴۹ به پیشنهاد حاج محمود سبحانی تشکیل شد. وی از دلالان پسته در سرای امید خیابان بوذرجمهری بود که پیشنهاد تأسیس این گروه را به مهدوی کنی داد. مهدوی از این پیشنهاد به شدت استقبال نمود و گروه مورد بحث با مدیریت حاج جلیلی تشکیل و آقایان شیخ محمدرضا مهدوی، دکتر شیخ استاد بازنشسته دانشگاه، حاجی فرهاد سرهنگ بازنشسته، مهندس محمدعلی گل افشانی، اسدالله نقاش‌زاده، حاج محمود سبحانی، سید مسیحا امامی رضوی، حاج حسین نصرالهی، حاج تهرانی، حاج وهابی، مدرسی رئیس بانک رهنی شعبه سلسبیل و چند نفر دیگر به عضویت هیأت مدیره گروه مذکور درآمدند و حاج محمد یزدی و احمد مختارپور مأمور جمع آوری وجوه صندوق‌های اعانه گروه شدند و هوشنگ دلشاد متصدی امور حسابداری گروه گردید.(مسجد جلیلی به روایت اسناد ساواک، ص ۳۵۷) هدف گروه، دستگیری از بیمارانی بود که امکان مداوای خود را نداشتند. آنان بیماران مستمند را به پزشکانی که معالجه مجانی را قبول کرده بودند معرفی می‌کردند. عیادت از بیماران از دیگر وظایف گروه بود که با سرکشی به بیمارستان‌های بوعلی، کهریزک، مسلولین شاه آباد صورت می‌گرفت و علاوه بر رفع نیازهای پزشکی و مالی، کتاب‌های جیبی مذهبی و مواد خوراکی و لباس بین آنان توزیع می شد. در سندی مورخ ۱۳۵۰/۳/۱۸در این زمینه آمده است:

«مهدوی افزود شب عید یک صد دست لباس بین مسلولین بیمارستان خیابان تهران نو تقسیم کردیم ولی این کافی نیست هر چند این کارها از وظایف دولت است و دیگران مـی‌گویند این

□ در اکثر موارد مسئولین مساجد با کسب اجازه از امام خمینی، رخصت می‌یافتند تا از طرفی به طور شرعی و با ضمانت دینی، به مستمندین کمک رسانی کنند و از طرفی دیگر از این طریق فعالیت سیاسی خود را تحت پوشش قرار دهند

اعمال را دولت باید انجام دهد ولی مسلمان نمی‌تواند ببیند که دیگران برهنه و گرسنه باشند و آرام بنشیند.»(همان، ص۲۶۴) و در سندی دیگر مورخ۱۳۵۰/۸/۳ آمده است: «جلسه گروه مذکور در هفته گذشته به علت عدم شرکت اعضاء تشکیل نگردید فقط غلامعلی زنگنه گزارش عیادت از بیماران سرطانی بیمارستان سانترال پشت بیمارستان پهلوی را به مهدوی داد.»(همان، ص۲۸۹)

آیت‌الله مهدوی کنی در این باره می‌گوید:

«برای این که ساواک حساسیتی پیدا نکند شروع به کار اجتماعی کردیم. یک اساسنامه نوشتیم راجع به بیماران مستمند و آبرومند و پس از اصلاحاتی، بر طبق آن عمل کردیم. بیماران مستمندی که در تهران یا شهرستان‌ها بودند به ما مراجعه می‌کردند و ما این‌ها را می‌فرستادیم پیش پزشکان متخصص و متعهد که برایشان نسخه می‌نوشتند. داروها را از طریق بودجه‌ای تأمین می‌کردیم که این بودجه از طریق صندوق جمع‌آوری می‌شد.»(قدسی‌زاده، صص ۷۹-۷۸)

در گزارش‌های ساواک در تاریخ ۱۳۴۹/۱۱/۳ نیز راجع به تشکیل صندوق قرض‌الحسنه‌ای توسط بانیان این مسجد، تحت عنوان صندوق تعاون خیریه اجتماعی گزارش شده است:

«اخیراً توسط جمعی از افرادی که در دعای ندبه، صبح‌های جمعه شرکت می‌نمایند، صندوقی به نام صندوق تعاون خیریه اجتماعی وابسته به درمانگاه ولی‌عصر(ع) تشکیل گردیده که فعالیت آن در حال حاضر با چاپ تعدادی قبض دریافت وجه جهت بیماران آغاز شده است.»(همان، ص۲۸) این عده بعدها به «انجمن عیادت از بیماران» مشهور شد، و روز به روز فعالیت‌های خود را گسترش داده و صندوق‌های قرض‌الحسنه‌ای را در مکان‌های مختلف نصب کردند و با

جمع‌آوری کمک‌های ارسالی در آن تلاش شد تا توسط آن به معالجه بیماران بی‌بضاعت پرداخته شود.

ساواک نیز در این باره در تاریخ ۱۳۵۰/۲/۱۵ گزارش می‌دهد:

«موضوع: انجمن عیادت بیماران- جلسه مذکور در ساعت ۲۰ روز ۵۰/۲/۱۱[۱۳] در کتابخانه مسجد جلیلی... قبلاً صندوق‌هایی به اندازه ۴۰×۱۵ سانتی‌متر به رنگ خاکستری از آهن ساخته‌اند که قرار شد در تجارتخانه‌ها و محل‌های دیگر نصب شود و اساسنامه انجمن تهیه و روی صندوق‌ها نصب گردد تا اشخاص خیّر اعانات خود را در آن‌ها بریزند و به وسیله هیأت اجرایی...جمع‌آوری گردد... مهدوی جواب داد صندوق را باید در جاهایی نصب کرد که افراد آن خوش نام باشند. خوش نام کسی است که علاوه بر متدین بودن وابسته به دستگاه نباشد چه انتساب این اشخاص به ما و هم چنین قبول اعانه از ایشان به صلاح برنامه ما نیست...»(همان)

صندوق‌های جمع‌آوری اعانات یکی از منابع تأمین مخارج برای هزینه‌های امداد رسانی به مستمندان و بیماران نیازمند محسوب می‌شد. آقای محمد علی گل افشانی در این‌باره می‌گوید: «نسبت به تشکیل صندوق‌هایی که روی آن نوشته شده بود: «بیماران را دریابید»؛ اقدام کردیم...این صندوق‌ها را در مراکز درمانی اختصاصی، مطب، درمانگاه‌هایی که مربوط به پزشکان و افرادی بود که می‌خواستند به طور غیر دولتی کار بکنند، نصب می‌کردیم. مضافاً این که در مغازه و شرکت‌هایی که مربوط به افراد متدین بود نیز نصب می‌کردیم وجوهاتی که از این طریق به دست می‌آمد صرف درمان افراد بی‌بضاعتی که مراجعه می‌کردند، می‌شد.»(قدسی‌زاده، ص ۸۰)

آقای علی قاضی نیز در این‌باره اظهار می‌دارد: «تعدادی خانواده مسجد جلیلی زیر پوشش داشت...تمام مداوای آنها با این صندوق بود. حتی عمل جراحی را در بیمارستانی که در سمیه است و الآن زایشگاه شده، آن موقع اگر اشتباه نکنم پاسارگاد بود انجام می‌دادیم. با بیمارستان صحبت کرده بودیم. با این که آدم‌هایش خیلی آدم‌هایی نبودند که با مذهب سر و کار داشته باشند وقتی دیدند که هدف یک هدف انسانی است، خیلی انصافاً همکاری داشتند.»(همان)



اعضای این صندوق نیز شب‌های یکشنبه هر هفته جلسه‌ای به منظور بررسی گزارش وضع افراد مستمند در مسجد برگزار و اقدامات لازم انجام می‌شود.(مسجد جلیلی به روایت اسناد، ص۳۳۷) خانواده‌های تحت حمایت مسجد، افزون بر دریافت کمک‌های فوق، از امکاناتی که مسجد برای تهیه جهیزیه فراهم کرده بود(مرکز اسناد، پرونده قاضی، ص ۱۵) ، بهره‌مند می‌شدند و مسجد جلیلی موفق شد در طول مدت فعالیت خود تعداد زیادی از افراد را در جهت تأمین جهیزیه یاری رساند و در این دسته از کمک رسانی ها نیز توانست اقدامات موفقیت‌آمیزی را به انجام رساند.

به طور کلی، از مهمترین فعالیت‌های مسجد کمک رسانی به مستمندان بود. اقدامات مسجد در این زمینه در یک دسته‌بندی کلی عبارتند از:

۱- کمک رسانی به اقشار کم درآمد، آسیب‌دیدگان در زلزله و سیل و مردم رنج‌کشیده

فلسطین۲- عیادت از بیماران. ۳- صندوق‌های امداد. همان طور که ذکر شد، این صندوق‌ها را در مراکز درمانی و برخی از مغازه‌ها نصب می‌کردند و خانواده‌های نیازمند نیز ماهی یک‌بار به مسجد مراجعه کرده و از این کمک‌ها بهره‌مند می‌شدند.(شیرودی، ص ۱۶۸)

کمک به زندانیان سیاسی

از صندوق مسجد برای کمک رسانی به خانواده‌های زندانیان سیاسی و تبعیدی‌ها نیز استفاده می‌شد. از جمله کسانی که در حین تبعید از کمک گروه‌های وابسته به مسجد جلیلی برخوردار شدند خود آیت‌الله مهدوی کنی بود. وی در پی ادامه مبارزات خود مدتی را در بوکان (۱۳۵۴هـ . ش) در تبعید بسر برد. در این مدت اعضای گروه امداد از مسجد جلیلی کمک‌های زیادی را ارسال می‌کردند. در سندی مورخ ۱۳۵۴/۸/۱۳ آورده شده است:

«پس از نماز مغرب و عشا روز پنجشنبه ۵۴/۸/۱[۱۳] که به پیشنمازی برادر بزرگتر مهدوی کنی در مسجد جلیلی برگزار شد طبق معمول دعای کمیل با همکاری هوشنگ دلشاد و اتابکی خوانده شد. حسین کسمایی (حسین نقاش) که از بوکان مراجعت کرده بود افراد را شماتت می‌کرد که چرا بی‌وفا هستند و به دیدن آیت‌الله مهدوی کنی به بوکان نرفته‌اند. کسمایی افزود در بوکان برادر همسر مهدوی و حاج حسین واحدی و شخص دیگری به نام مقدم را دیده است که به ملاقات آیت‌الله مهدوی آمده بودند مردم محل برای مهمان‌های مهدوی احترام زیادی قائل می‌شوند و برای آنها رختخواب به خانه مهدوی می‌آورند سید محسن امیر حسینی و احمد مختار پور گفتند که تصمیم دارند قریباً به بوکان به دیدن مهدوی بروند. کسمایی اضافه کرد حسین مخبری دلال بازار و نجفی اهل خیابان پامنار گهگاه کمک‌ها و مساعدت‌هایی به من می‌کنند تا به ملاقات تبعیدی‌ها بروم.»(مسجد جلیلی به روایت اسناد، ص۵۲۹)

در واقع می‌توان گفت از این صندوق‌ها به‌عنوان یک نوع پوشش برای انجام فعالیت‌های سیاسی نیز استفاده می‌شد. آیت‌الله مهدوی کنی در خاطراتش این گونه نقل می‌کند: «از کارهای دیگری که کردیم، تأسیس صندوق کمک به خانواده‌های بی‌بضاعت بود.

□ در گزارشات ساواک، مسجد جلیلی پایگاه مبارزه عناصر«متعصب مذهبی» و «عناصر منحرف» بود و از این رو آیت الله مهدوی کنی نیز به عنوان «روحانی افراطی» محسوب می‌شد که به دلیل فعالیت‌های مبارزاتی به سه سال تبعید در بوکان محکوم شد

هدف از تأسیس صندوق این بود که به خانواده‌های بی‌بضاعت کمک کنیم و در پوشش این صندوق کار سیاسی انجام دهیم. البته این صندوق جنبه سیاسی صرف نداشت، بلکه واقعاً ما به افراد بی‌بضاعت کمک می‌کردیم. بیماران را توسط آن صندوق در بیمارستان بستری و به خانواده زندانیان و امثال این‌ها (که گرفتار بودند) کمک می‌کردیم.»(خواجه سروی، ص ۱۳۱)

از جمله مهمترین فعالیت‌های خیریه که توسط مسجد جلیلی در طی این سال‌ها انجام گرفت، تشکیل شرکت «تعاونی سودبخش» بود که بعدها به شرکت «نجات» تغییر نام پیدا کرد. از سود حاصله از آن بخشی از نیاز افراد مستضعف را تأمین کرده و به خانواده‌های زندانیان سیاسی نیز کمک مالی می‌کردند. جلسات آن‌ها غالباً در مسجدهای جلیلی یا هدایت و برخی اوقات در منزل اعضای شرکت تشکیل می‌شد.(مسجد جلیلی به روایت اسناد، ۱۹۲) این شرکت در سال **۱۳۴۵** یا **۱۳۴۶** تشکیل شد و دارای هیئت مدیره‌ای بود که به صورت سهامی اداره می‌شد. شرکت در ابتدای امر در طی دهه چهل توانست سرمایه‌ای معادل **۲۵۰،۰۰۰** تا **۲۶۰،۰۰۰** ریال را جمع‌آوری کند(همان، ص۲۲۰) و در دی ماه سال **۱۳۵۱** با **۲۰۰** نفر عضو سرمایه‌ای معادل **۳۷۰،۰۰۰** ریال را در جریان داد و ستد بدست آورد.(همان، ص ۳۳۳) و این خود نشان دهنده رشد و توسعه مالی برای شرکت می‌باشد.

کمک رسانی به مبارزین فلسطینی

مسجد جلیلی از جمله مساجدی بود که همواره در راستای اهداف انقلابیون فعالیت می‌نمود. از جمله مهمترین برنامه‌هایشان کمک‌رسانی به جنگ‌زدگان فلسطینی بود و همواره نسبت به خطر

صهیونیسم و مبارزه با آن و کمک مادی به مبارزین فلسطین فعال بود. سخنرانان نیز نسبت به این مسئله همواره حساس بودند و سعی بر آن داشتند که مردم را به آن آگاه کنند. در سند مورخ ۴۹/۰۹/۱۴ چنین آمده است:

«ابتدا توانا گفت... بعد در حین گفتگو مبلغ چهار صد ریال به هوشنگ دلشاد داد و گفت این پول را یک نفر به ایشان داده و گفته که برای یاسر عرفات بفرستید...» (مسجد جلیلی به روایت اسناد، ص۲۰۱)

در سندی دیگر مورخ ۵۱/۹/۸ نیز آمده است: «رحمان جعفرخانی به طور خصوصی می‌گفت کوشش دارد تا آخر ماه رمضان حدود ۱۰ تا ۱۲ هزار تومان از اشخاص خیّر اعانه جمع آوری تا وسیله آقای مهدوی پیشنماز از طریق سفارت سوریه برای چریک‌های الفتح ارسال گردد.»(همان، ص ۳۱۸)

مسجد همت

مسجد همت تجریش، به دلیل موقعیت جغرافیایی مناسب و فعالیت شخصیت‌های انقلابی نظیر آیت‌الله طالقانی و آیت‌الله مصطفی ملکی که از مبارزین درجه اول محسوب می‌شدند نقش مهمی در مبارزه با رژیم پهلوی ایفا کرد و در آن سال‌ها محور مبارزه در شمیران محسوب می‌شد. به علاوه این مسجد جزو مراکز فعال بود و به دلیل حریم و حرمتی که دستگاه امنیتی و رژیم برای آن قائل بود اعضای آن از محدودیت‌های سیاسی کمتری برخوردار بودند به‌گونه‌ای که بسیاری از روحانیون ممنوع‌المنبر به این مسجد آمده و سخنرانی داشتند و در واقع این مسجد در محدودیت‌ها و فشارهای اعمال شده از سوی رژیم استثنا بود.(مصاحبه با حجت الاسلام والمسلمین عبدالمجید معادی‌خواه) علاوه بر فعالیت‌های مذهبی ـ سیاسی، این مسجد جزء کانون‌های مهم و اولیه در جهت امور خیریه محسوب می‌شده است. می‌توان گفت بخش زیادی از حضور مسجد همت در فعالیت‌های خیریه به ویژگی‌های شخصی آیت‌الله ملکی مربوط بوده است. حجت‌الاسلام و المسلمین عبدالمجید معادیخواه در مصاحبه‌ای با نگارنده ذکر می‌کند:

□ مسجد جلیلی از جمله مساجدی بود که همواره در راستای اهداف انقلابیون فعالیت می‌نمود. از جمله مهمترین برنامه‌هایشان کمک رسانی به جنگ‌زدگان فلسطینی بود و همواره نسبت به خطر صهیونیسم و مبارزه با آن و کمک مادی به مبارزین فلسطین فعال بود

«وی از آنجایی که هم روحانی بود و هم بازار را تجربه کرده و کودکی و نوجوانی را در بازار سپری نموده بود خود باعث وجود چنین روحیاتی در ایشان شد. وی که ذاتاً شخصیتی سیاسی نبوده است ولی خواه نا خواه وارد این عرصه شد. و به مرور زمان این مسجد نیز تبدیل به پایگاه مبارزین شد.»(همان)

ایشان همچنین خاطره‌ای را نقل می‌کنند که نشان از توجه مرحوم ملکی به رسیدگی وضعیت مستمندان دارد:

«در یک روز تابستانی حدود بعد از ظهر در نزدیکی مسجد مرحوم ملکی را دیدم که مشغول صحبت با یک پسری حدوداً ۱۴-۱۵ ساله بودند، حدود یکی دو ساعت بعد نیز در حین بازگشت مجدداً ایشان را دیدم که همچنان در حال بحث و صحبت با آن پسر بود. مدتی بعد که من کنجکاو شده بودم در مورد این مسئله تجسس کردم و متوجه شدم که در همان حوالی کارگاهی وجود داشته که در ظاهر شبکه توزیع گردو در شمیران بوده ولی در باطن یک شبکه توزیع مواد مخدر بود. آقای ملکی که از این قضیه خبردار شده بود سعی می‌کرد بچه‌هایی که تازه وارد بودند را از این مرکز دور کند و روی این بچه‌های تازه وارد به شدت حساس بودند.»(همان)

امداد رسانی به مجروحین تظاهرات‌های خیابانی

از جمله مهمترین فعالیت‌های مسجد همت، کمک‌رسانی و امدادهای پزشکی به افرادی بود که در طی تظاهرات خیابانی مجروح می‌شدند. در پی شدت گرفتن تظاهرات خیابانی، و

به‌خصوص بعد از واقعه ۱۷ شهریور، دو کلاس آموزشی در مسجد همت گشایش یافت که در هر دو کلاس، علی قادری تدریس می‌کرد. یکی از این کلاس‌ها عقیدتی و دیگری آموزش کمک‌های اولیه بود.(طاهر احمدی، زندگی و مبارزات حجت الاسلام و المسلمین مصطفی ملکی، ص ۱۱۷) سبب اصلی تشکیل کلاس امدادهای پزشکی، کمک به مجروحینی بود که در تظاهرات آسیب می‌دیدند.(طاهر احمدی، تاریخ شفاهی مسجد همت تجریش، صص ۱۰۸-۱۰۷) با حمایت‌های آیت‌الله مصطفی ملکی دو یا سه خانه به صورت درمانگاه کوچکی درآمد و همواره چند پزشک از جمله دکتر علی اکبر ولایتی و علی قادری در آنجا خدمت می‌کردند.(همان، ص ۱۰۸) کسانی که در طی تظاهرات و درگیری‌ها مجروح می‌شدند به این درمانگاه انتقال می‌یافتند و همچنین این درمانگاه محل پناه دادن به سربازان و نظامیان فراری بود.(همان) چنان که عبدالله نجفی، فرماندار نظامی شهرری که به فرمان امام، خدمت در ارتش را ترک نمود و بعد از پیروزی انقلاب به‌سمت امیری در ارتش رسید و فرماندهی کمیته مفقودین جنگ را بر عهده داشت مدتی را در یکی از این درمانگاه‌ها مخفی بود و در طول این مدت نیز به تعدادی از فعالان سیاسی در مسجد همت آموزش‌های نظامی می‌داد.(همان)

کمک به زندانیان سیاسی

همان طور که پیشتر ذکر شد یکی از مهمترین وظایفی که مبارزین همواره بدان می‌پرداختند کمک رسانی به خانواده‌های زندانیان سیاسی و مبارزین بوده تا در طی تحمل فشارهای ناشی از حبس و تبعید از لحاظ مالی تحت فشار نباشند. از این رو، آقای عباس ملکی که از گردانندگان اصلی مسجد همت تجریش محسوب می‌شد در این کار همواره پیشقدم بود. وی وقتی که یکی از فعالان مذهبی گرفتار می‌شد، فوری به خانواده آن زندانی سر می‌زد و تا حد امکان نیازهای آنان را برآورده می‌ساخت. اگر هم به دلایلی نمی‌توانست به‌طور شخصی این کار را انجام دهد، کسی یا کسانی از متصدیان مسجد را به نمایندگی خود با مقداری پول به سر وقت خانواده‌ها می‌فرستاد(طاهر احمدی، تاریخ شفاهی مسجد همت تجریش، صص ۸۶-۸۵)

□ مسجد همت تجریش، به دلیل موقعیت جغرافیایی مناسب و فعالیت شخصیت‌های انقلابی نظیر آیت الله طالقانی و آیت الله مصطفی ملکی که از مبارزین درجه اول محسوب می‌شدند نقش مهمی در مبارزه با رژیم پهلوی ایفا کرد و در آن سال‌ها محور مبارزه در شمیران محسوب می‌شد

و در این رسیدگی‌ها دستیارانی داشت که از جمله مهمترین آن مرحوم محققی(برادر داماد مهندس بازرگان) بود.(مصاحبه با حجت الاسلام و المسلمین عبدالمجید معادیخواه)

کمک رسانی به مردم در جریان اعتصابات

یکی دیگر از عرصه‌هایی که مسجد همت در آن پیشگام بود کمک رسانی به مردم محلات مختلف تهران در جریان اعتصابات علیه رژیم بود، به این صورت که در ماه‌های پایانی پیروزی انقلاب، در پی گسترش اعتصابات و مختل شدن کار مراکز تولید و توزیع، آشفتگی شدیدی در سراسر کشور به وجود آمد. در این زمان مراکزی بودند که به تهیه و توزیع بخشی از مواد غذایی نظیر مرغ و تخم‌مرغ می‌پرداختند. به همین دلیل برای کاستن از مشکلات ناشی از این‌گونه اعتصابات کمیته‌های محلی که اغلب وابسته به مساجد بودند کار خود را آغاز کردند. این مراکز توسط معتمدین محل اداره می‌شدند و اینان بخشی از مواد غذایی را با قیمتی نازل در اختیار مردم قرار می‌دادند. چنان که مسجد همت نیز فروشگاهی را با همین هدف در سر پل تجریش تأسیس نمود که موفق شد بسیاری از ارزاق عمومی را با بهایی اندک و حتی در برخی موارد زیر قیمت بازار به خریداران عرضه کند.(طاهر احمدی، تاریخ شفاهی مسجد همت تجریش، صص۱۰۹-۱۰۸) در این بین، از جمله خیرینی که در اجرای این طرح کمک‌های زیادی را متقبل شد حاج محمد مهدی‌زاده بود که وی جزء معتمدین خیری محسوب می‌شد که در امر کمک‌رسانی به این فروشگاه نقش چشمگیری داشت.(همان)

کمک به زلزله زدگان طبس

از حوادث دلخراشی که در سال ۱۳۵۷ رخ داد و روحانیت بویژه متصدیان مسجد همت توانستند در پی آن، کار کمک‌های مردمی را رهبری و مدیریت کنند کمک به زلزله زدگان طبس بود. این حادثه در ۲۵ شهریور ۱۳۵۷ به وقوع پیوست که در آن بیش از ۲۰ هزار نفر کشته و متجاوز از صد هزار نفر بی‌خانمان شدند. از آنجایی که کشور در بحران و آشفتگی پیش از انقلاب به سر می‌برد، ضرورت کمک رسانی‌ها بیش از پیش نمایان شده بود، به همین دلیل مساجد و مراکز دینی در این کمک رسانی‌ها توانستند نقش مهم و تاثیرگذاری را ایفا کنند.

در پی این حادثه نمایندگان شیر و خورشید سرخ گزارش دادند که مردم رغبتی به اخذ کمک‌های دولت ندارند، در عوض همه به استقبال نماینده اعزامی امام یعنی آیت الله صدوقی رفته‌اند. آیت‌الله صدوقی نیز با تجهیزات کامل و حمایت گسترده مردم به فرمان امام در منطقه مستقر شد و کمیته امداد رسانی امام را ایجاد کرد.(طباطبایی، ص ۳۴۲) بنابراین پس از وقوع زلزله کاروانی حاوی وسایل ضروری و مواد خوراکی به همراه چند پزشک از طرف مسجد همت راهی طبس شدند. عباس بزرگ‌زاده که از مدیران اجرایی این کاروان امداد بود درباره راه‌اندازی آن می‌گوید: «پس از وقوع زلزله طبس و زیر و رو شدن آن شهر، آقای[عباس]ملکی به مغازه من آمد و گفت: برای کمک به زلزله زدگان مقداری پول از کسبه بازار جمع کن و خود نیز آماده شو تا به طبس برویم. بنده همان روز سفارش یک مُهر به نام مسجد همت را به یک مهرساز دادم و تعدادی قبض تهیه کردم و مهر مسجد همت را روی همه آنها نقش بستم. سپس از طریق مسجد اعلام کردیم که آماده پذیرفتن کمک‌های نقدی و جنسی مردم هستیم. به زودی مقدار قابل توجهی پول و پوشاک و وسایل زندگی و مواد خوراکی جمع شد که همه آنها را با کمک گروهی از معتمدان تجریش و به سرپرستی آقای ملکی به طبس بردیم و پس از پانزده روز به تهران بازگشتیم و با تهیه اجناس ضروری بار دیگر رهسپار طبس شدیم.»(طاهر احمدی، زندگی و مبارزات حجت الاسلام و المسلمین مصطفی ملکی، صص۱۰۶-۱۰۵)

□ از جمله مهمترین فعالیت‌های مسجد همت، کمک‌رسانی و امدادهای پزشکی به افرادی بود که در طی تظاهرات خیابانی مجروح می‌شدند

□ حسینیه ارشاد از جمله مهمترین مراکزی است که در شمار کانون‌های اصلی ترویج تفکرات اسلامی ـ انقلابی محسوب می‌شود

حسینیه ارشاد

حسینیه ارشاد از جمله مهمترین مراکزی است که جزء کانون‌های اصلی ترویج تفکرات اسلامی ـ انقلابی محسوب می‌شود. این مؤسسه، کاملاً غیردولتی بود و با عنوان «مؤسسه خیریه تعلیماتی و تحقیقاتی علمی و دینی حسینیه ارشاد» و با کمک‌های مردمی کار خود را آغاز نمود. ناصر میناچی در مصاحبه‌ای با نگارنده نیز ذکر می‌کند:

«به این دلیل حسینیه را مؤسسه خیریه نام‌گذاری کردیم چون عملاً خود اعضاء چیزی برای هزینه کردن آن نداشتند و از پول و کمک‌های مردمی استفاده می‌کرد. اگر چه با پول‌هایی که افرادی نظیر محمد همایون پرداخت کردند، توانستیم ساختمان مسجد را بسازیم ولی برای هزینه‌های دیگری نظیر حقوق کارکنان، تعمیرات، آب و برق و...از پول‌های مردمی که جمع‌آوری می‌شد استفاده می‌کردیم و به همین دلیل این مؤسسه تحت عنوان خیریه نام‌گذاری شده بود.»(مصاحبه با ناصر میناچی مقدم) بنابراین در تاریخ ۱۳۴۶/۱۰/۱۹ طی شماره ۹۳۳ به عنوان یک مؤسسه غیر تجاری و غیر دولتی به ثبت رسید.(میناچی مقدم، ص ۳۱)

کمک رسانی به نهضت فلسطین

به طور کل، فعالیت‌های حسینیه بسیار گسترده و متنوع بود. ولی از آنجایی که این مقاله به فعالیت‌های خیریه مؤسسات در راستای اهداف و آرمان‌های انقلاب مربوط می‌شود، صرفاً به این گونه فعالیت‌هایی که حسینیه انجام می‌داد می پردازیم. از جمله مهمترین اقدامات حسینیه

ارشاد که در راستای آرمان‌های امام خمینی محسوب می‌شد، کمک رسانی به مردم فلسطین و تلاش برای آزادی سازی آن بود. در پی صدور فتوای امام خمینی مبنی بر پرداخت صدقات و زکات...به مبارزین فلسطین که در دفاع از قبله اول مسلمین و برگرداندن فلسطین به مسلمین جهاد می‌کردند، حسینیه ارشاد در این راه پیشقدم شد.(استاد شهید مرتضی مطهری به روایت اسناد، ص ۷۳)

ناصر میناچی مقدم که از بانیان حسینیه محسوب می‌شد این‌گونه اشاره کرده است:

«در هر حال در ایام فعالیت چشمگیر حسینیه ارشاد، به ویژه در سال‌های ۱۳۴۷ الی ۱۳۵۰، ناگزیر بودیم به خاطر برقراری ارتباط نزدیک‌تر با دانشجویان خارج کشور و کمک رسانی به مبارزان مسلمان فلسطینی، موقعیت و محل دیدارهای خود و همراهان، من جمله استاد مطهری و دکتر شریعتی را در سفرهای زیارتی حج، در آن کشور مستقر سازیم. لکن به‌علت آن که در کاروان‌های حج اعزامی از طرف سازمان اوقاف، تعدادی مأمور خبرچین ساواک مراقب زوّار و حجاج بیت‌الله بودند و مسلماً در زیر دید و نظارت آنان امکان هیچ‌گونه فعالیتی مقدور نبود؛ لذا حسینیه ارشاد از سال۱۳۴۷، تصمیم گرفت که خود مستقلاً یک کاروان حج راه‌اندازی کند، تا از آن طریق، با انتخاب زوّار آشنا و مورد اطمینان در اماکن مقدسه مدینه و مکه و به‌خصوص در عرفات و مشعر و محل سه روزه وقوف منی با دانشجویان خارج از کشور و مبارزان فلسطینی، ملاقات نموده و ضمن مبادله مطالب و کتاب‌ها و برقراری جلسات بحث و سخنرانی برای آنان توسط استاد مطهری و دکتر شریعتی و عده‌ای از دانشمندان همراه، نیت خیر تأسیس صندوق ویژه کمک به مبارزان فلسطین را به مرحله عمل و اجرا درآوریم. دقیقاً از همان تاریخ بود که با تشکیل هیئتی به سرپرستی استاد مطهری، مبالغ قابل توجهی وجوه خیریه و بریّه جمع‌آوری شد که با انجام سفرهایی مکرر به کشور لبنان از طریق امام موسی صدر و دکتر چمران در چند نوبت بین فلسطینی‌ها تقسیم شد که هم اکنون بعضی از فعالان جمع‌آوری کمک در قید حیات هستند و می‌توانند شهادت بدهند.»(میناچی مقدم، صص ۷۱-۷۰)

همان‌طور که اشاره شد گردانندگان حسینیه ارشاد برای کمک‌رسانی به مبارزین فلسطینی فعالیت‌های گسترده‌ای را به انجام رساندند.

□ به دنبال فعالیت های سیاسی که مساجد داشتند ساواک نیز در مقابل، شروع به تعطیلی مساجدی نظیر مسجد همت، حسینیه ارشاد و مسجد الجواد نمود. بنابراین گردانندگان حسینیه ارشاد نیز برای ادامه فعالیت‌های‌شان اقدام به ساخت مسجد قبا نمودند

در طی سخنرانی‌هایی که در حسینیه انجام می‌گرفت نیز مدام این مسئله گوشزد می‌شد. به عنوان نمونه می‌توان به سخنرانی دکتر باهنر در ۱۳۴۹/۳/۱۹ اشاره کرد که ایشان به مناسبت مجلس ختم آیت‌الله حکیم با خواندن چند فتوا از مرحوم آیت‌الله حکیم پرداخت و از قول ایشان می‌آورد هر کس در نماز و روزه کاهل باشد ولی به چریک‌های عرب کمک نماید جای وی در بهشت خواهد بود. این‌گونه اقدامات خود منجر به تشویق حاضران برای پرداخت کمک شده و توانستند مبالغ قابل توجهی را دریافت کنند. (یاران امام به روایت اسناد ساواک(شهید حجه الاسلام دکتر محمد جواد باهنر)، ص۳۹۲) اینان برای دریافت کمک از سایر مسلمین جهان، کاروان‌های حجی را به‌طور مستقل راه‌اندازی کردند که در طی مراسم حج نیز از فرصت استفاده کرده و از حجاج و کاروان‌ها وجوهاتی را جمع‌آوری نموده و این وجوهات هر چند ناچیز را جهت کمک رسانی به سازمان‌های چریکی نظیر الفتح و یا مردم جنگ‌زده فلسطین اختصاص می‌دادند.(حسینیه ارشاد به روایت اسناد ساواک، ص ۱۲۷) و اسناد زیادی نیز جهت تأیید این امر وجود دارد. سند زیر در تاریخ ۴۹/۲/۸ خود مبیّن این امر است:

«گزارشاتی که از منابع مختلف واصل شده از جمله گزارش‌های مأمورین اعزامی به عربستان سعودی و ساواک کرمان و همچنین اظهارات صدربلاغی در روزهای ۴۷/۱۲/۲۹ و ۴۹/۱/۷ در حسینیه ارشاد و اقاریر مجدالدین مصباحی(از روحانیون شیراز) حاکی است که کاروان حج حسینیه ارشاد در خلال برگزاری مراسم حج مبادرت به جمع‌آوری و به نماینده سازمان مزبور پرداخته و شهربانی کل کشورنیز اعلام نموده با نصب آگهی در داخل حسینیه ارشاد از مردم خواسته شده با پرداخت پول به آوارگان فلسطین کمک نمایند. لذا طی شماره‌های ۳۱۶/۹۰–

۴۹/۱/۱۵[۱۳]– ۳۱۶/۱۱۳ – ۴۹/۱/۱۷[۱۳] از آن ساواک خواسته شد در این زمینه تحقیق و عاملین را شناسایی و نتیجه را اعلام نمایند.»(همان، ص ۱۰۳)

در جلساتی که برای سازماندهی به این مسئله برگزار می‌شد افرادی چون دکتر علی شریعتی، صدر بلاغی، محمدرضا سعیدی و فخر الدین حجازی شرکت داشته و تصمیماتی نظیر چگونگی کمک به چریک‌های عرب اتخاذ می‌شد.(همان، صص۱۲۳-۹۰) و برای شرکت مردم در این کمک رسانی‌ها در داخل حسینیه ارشاد نیز آگهی‌هایی را برای دعوت از علاقه‌مندان نصب می‌کردند که در آن از مردم خیّر دعوت به کمک می‌نموده و در مقابل پرداخت پول رسید می‌دادند.(همان، صص ۱۲۶-۱۲۵) در طی پیگیری‌هایی که از سوی اعضای حسینیه در ارتباط با کمک رسانی به مردم فلسطین انجام گرفت در ۴۹/۲/۲۴[۱۳]حسابی به نام «ملت فلسطین» در بانک‌های ملی به شماره حساب ۷۷۳۸۸ و صادرات شعبه بازار به شماره حساب ۹۵۹۵ و بانک بازرگانی در تهران به شماره حساب ۴۵۶۰۰ باز شد و آیت‌الله مطهری، زنجانی و علامه سید محمد حسین طباطبایی نیز از مردم خواستند که وجوه خود را به این حساب‌ها واریز نمایند.(همان، صص ۱۳۸-۱۳۵) و برای اطلاع رسانی به مردم اطلاعیه‌ای در ویترین مسجد دانشگاه تهران نصب کردند که موضوع آن کمک رسانی برای سازمان چریکی الفتح بود و شماره حساب‌های بانک‌های فوق را اعلام نمودند.(استاد شهید مرتضی مطهری به روایت اسناد، ص۷۴) اداره کل سوم ساواک دستور داد تا این مسئله پیگیری شده و بانیان آن مورد بازجویی قرار گیرند:

«خلاصه پیشینه: گزارشاتی که اخیراً از ساواک تهران واصل شده حاکی است سه نفر از روحانیون به اسامی مرتضی مطهری، سید ابوالفضل موسوی زنجانی و محمد حسین علامه طباطبایی حساب‌هایی به شماره‌های ۴۵۶۰۰ بانک بازرگانی شعبه مرکزی -۷۷۳۸۸ بانک ملی ایران شعبه مرکزی و ۹۵۹۵ بانک صادرات شعبه بازار ظاهراً به منظور تأسیس مسجد، افتتاح و طی اعلامیه‌های چاپی از مردم خواسته شده کمک‌های خود را برای فلسطین به حساب‌های مزبور واریز نمایند و اعلامیه‌هائی که در این زمینه صادر شده در نـقاط مختلف تهـران از جـمله

□ نمایندگان شیر و خورشید سرخ گزارش دادند که مردم [زلزله زدگان] رغبتی به اخذ کمک‌های دولت ندارند، در عوض همه به استقبال نماینـده اعـــزامی امام یعنی آیت الله صـــدوقی رفته‌اند. آیت الله صدوقی نیز با تجهیزات کامل و حمایت گسترده مردم به فرمان امام در منطقه مستقر شد و کمیته امداد رسانی امام را ایجاد کرد

بازار، دانشگاه تهران و حسینه ارشاد توزیع گردیده و ساواک تهران در تاریخ ۴۹/۲/۲۰[۱۳] اعلام داشته موجودی حساب شماره ۹۵۹۵ بانک صادرات مبلغ دوازده هزار ریال می‌باشد...»(همان، ص ۱۵۳)

بنابراین در پی اطلاع‌رسانی‌هایی که انجام گرفت سعی شد تا از اقشار مختلف دعوت به همکاری شود از جمله سند زیر در خصوص اعلامیه‌ای است که برای درخواست کمک برای فلسطین در میان بازاریان توزیع شده بود:

«موضوع پخش اعلامیه برای کمک به فلسطین

در تاریخ ۴۹/۲/۱۹[۱۳] اعلامیه‌ای مبنی بر درخواست کمک برای فلسطین در بازار تهران توزیع گردیده است که یک برگ از اعلامیه مذکور به پیوست ایفاد می‌گردد.

لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ الناسِ عَدَاوَه لِّلّذین ءَآمَنوُا الیَهوُدَ (قرآن کریم. سوره مائده آیه ۸۲)، هر آینه یهودیان را شدیدترین مردم از حیث دشمنی با مومنان بیابی.

(عصر روز نهم آوریل ۱۹۴۸ ناگهان نعره‌های گوشخراش بلندگوهای اسرائیل در قریه دیریاسین که کنار شهر بیت‌المقدس واقع است پیچیده و با ارعاب و تهدید مردم را دعوت به تخلیه دهکده و بیرون رفتن و دست شستن از دار و ندار خود می‌کردند.

مردم بی‌دفاع و گیج و حیران و مضطرب برای فهمیدن علت حادثه به هر سو می‌دویدند در چنین وضع بحرانی سربازان شقی یهودی مثل گرگان مست مردم را به محاصره کشیدند گویا می‌خواستند همه کینه‌ها و درد دل‌هایی که در طول هزارها سال در به دری یهود از تمام مردم

روی زمین داشتند به سر این مشت مردم که همیشه آنان را پناه می‌دادند و حمایت می‌کردند خالی کنند... (نقل از کتاب تجاوزات یهود. از انتشارات اتحادیه دول عرب)

این یک نمونه از صدها جنایتی است که یهودیان نسبت به مسلمانان فلسطین انجام داده و می‌دهند.

حال تو ای خواننده غیور اگر از خواندن این سطور متأثر گشته‌ای و به عنوان یک انسان مسلمان و یا لااقل به عنوان یک انسان می‌خواهی به زجر کشیدگان فلسطین کمکی بنمائی می توانی مبلغی هر چند هم ناچیز باشد به یکی از سه حساب زیر بریزی و در راه نجات فلسطین عزیز قدمی برداری.

این سه حساب توسط سه تن از دانشمندان روشنفکر دینی تأسیس گشته است

۱- بانک ملی شعبه مرکزی حساب شماره **۷۷۳۸۸**، ۲- بانک بازرگانی شعبه مرکزی حساب شماره **۴۵۱۶۰۰**، ۳- بانک صادرات شعبه بازار حساب شماره **۹۵۹۵** »(همان، صص ۱۵۱-۱۵۰)

استاد مطهری در بحثی تحت عنوان «غیرت اسلامی» به مسئله فلسطین اشاره کرد و وظیفه همگان را در قبال این امر حیاتی برشمرد. استاد در تبیین هدف این اقدام می‌گوید:«توجه داشته باشید این حساب‌ها و کمک کردن‌ها و حساب بازکردن‌ها به این نظر نیست که پول چقدر جمع می‌شود! مسلم است همه ما ایرانی‌ها اگر بخواهیم همه پول‌هایمان را روی هم بریزیم شاید به قدر پول دو تا یهودی که در آمریکا نشسته‌اند و پول دنیا را از راه ربا و دزدی ثروت دنیا می‌برند، نشود ولی حساب این است که مسلمان شرط مسلمانی‌اش همدردی است.»(همان، صص ۷۴-۷۳) مطهری از سویی دیگر روابط نزدیکی با آیت‌الله طالقانی در این خصوص داشت. طالقانی نیز در سال ۱۳۴۸ در پی یک حرکت نمادین در طی نماز عید فطر از مردم خواست فطریه‌های خود را به مردم مظلوم فلسطین اختصاص دهند. و مبلغی حدود ده هزار تومان پول و زیورآلات زنان در این روز جمع آوری شد و از طریق مهندس بازرگان و طالقانی به سفارت مصر اهدا شد.(ملائی توانی، صص ۲۱۲-۲۱۱) به‌دنبال ارسال این‌گونه وجوه به فلسطین از سوی اینان، پیگیری‌هایی از سوی ساواک برای شناسایی بانیان این طرح به انجام رسید. ساواک که احساس

□ از جمله مهمترین اقدامات حسینیه ارشاد در راستای آرمان‌های امام خمینی، کمک رسانی به مردم فلسطین و تلاش برای آزادی سازی آن بود

کرده بود اطلاع رسانی‌های این عده عمومیت یافته، اقدام به احضار مرتضی مطهری، سید ابوالفضل موسوی زنجانی و محمد حسین علامه طباطبایی نمود. در طی بازجویی‌هایی که از استاد مطهری صورت گرفت از وی خواستند که مبالغ جمع آوری شده را در داخل کشور صرف امور خیریه کنند و آنها را در اختیار شیر و خورشید سرخ ایران قرار دهند. استاد مطهری در مقابل این خواسته اظهار داشت که در مقابل این پول‌های امانتی که به نیت کمک به فلسطین پرداخت شده است، مسئولیت دارد و نمی‌تواند این کار را انجام دهد.(استاد شهید مرتضی مطهری به روایت اسناد، ص۷۴)

ساواک تهران سرانجام پس از چند ماه تلاش و پیگیری اعلام می‌کند: «ضمن مراقبت از شیخ مرتضی مطهری در آخرین تحقیقی که به نحو غیر محسوس راجع به نحوه به مصرف رسانیدن وجوه مورد بحث از وی به عمل آمده، یاد شده اظهار داشته است که قصد دارد این پول‌ها را در اختیار یکی از مراجع شرع ساکن ایران که احتمال می‌رود آیت‌الله شریعتمداری باشد، بگذارد تا او به هر ترتیب که می‌خواهد عمل کند».(همان، ص ۷۴)

مبلغ جمع‌آوری شده که حدوداً ۴۵ هزار تومان بود، با تدابیر استاد مطهری و شیخ فضل‌الله محلاتی در راه و هدف اصلی هزینه شدند. ساواک ـ همان طور که اشاره شد ـ تلاش‌های زیادی کرد که این مبالغ را از دست آنان خارج کرده و برای امور خیریه داخل ایران اختصاص دهد.

شهید محلاتی در خاطرات خود این طور نقل می‌کند: «از سازمان امنیت تلفن کردند که حساب را ببندید و هر چه پول جمع آوری شده، بیاورید و به ما بدهید. مرحوم مطهری خیلی ناراحت شده بود. از دانشکده به من تلفن کرد. وقتی رفتم آنجا، گفت چه بکنم؟ من فکری به‌ذهنم آمد. گفتم: پول‌ها را به آنها ندهید. بروید از آقای شریعتمداری یک قبضی بگیرید، بعد هم به

سازمان امنیت بگویید این پول‌ها را که شما گفتید نفرستید، ما نفرستادیم برای اینکه مصرف فقرا شود، دادیم به آقای شریعتمداری که ایشان خودش به فقرای محل کمک کند. به ایشان گفتم ولی پول را به شریعتمداری ندهید، قبضش را بگیرید. شریعتمداری هم- خوب- نمی‌توانست ندهد. بالاخره قبض‌ها را گرفتند و دادند به ساواک و پول‌هایش را ما گرفتیم بردیم مکه به فلسطینی‌ها دادیم.»(خاطرات و مبارزات شهید محلاتی، ص ۷۸)

این کمک‌رسانی‌ها که از سوی اعضای حسینیه انجام می‌گرفت به قدری در جهان اسلام از اهمیت برخوردار بود که در برخی از جراید عربی از جمله روزنامه الجمهوریه نیز در این مورد مطالبی درج شد.(استاد شهید مرتضی مطهری به روایت اسناد، ص۱۶۰)

و این امر خود نشان دهنده نوآوری و اهمیت این اقداماتی است که از سوی اعضای حسینیه انجام می‌گرفت.

مسجد قبا

به دنبال فعالیت های سیاسی که مساجد داشتند ساواک نیز در مقابل، شروع به تعطیلی مساجدی نظیر مسجد همت، حسینیه ارشاد و مسجد الجواد نمود. بنابراین گردانندگان حسینیه ارشاد نیز برای ادامه فعالیت‌های‌شان اقدام به ساخت مسجد قبا نمودند. بانیان این مسجد نیز در همان بدو تأسیس به مبارزات خود که پیشتر در حسینیه ارشاد صورت می گرفت، ادامه دادند.

راه اندازی صندوق قرض الحسنه

بر طبق گزارشات ساواک در مسجد قبا صندوق قرض‌الحسنه‌ای به شماره ۴۰۰ راه اندازی شد که در حیاط مسجد استقرار یافت و کمک‌های مردمی در آن جمع آوری می شد و در طی سال سه الی چهار مرتبه در آن را باز و وجوه جمع‌آوری شده را جهت نگهداری و اداره مسجد و شرکت در انجام امور خیریه مصرف می‌کردند.(مرکز اسناد، پرونده مسجد قبا، ص۳۶) همچنین حاج ماشاءالله رحیمی که از بانیان این صندوق محسوب می‌شود در مصاحبه‌ای با نگارنده ذکر می‌کند:

□ مسجد قبا که بشدت زیر نظر ساواک قرار داشت، به دنبال ارسال پیامی از سوی امام خمینی در باره کمک به مجروحین و مصیبت زدگان فلسطینی، فعالیت گسترده خود را برای پیروی از فرمان امام آغاز کرد

«این صندوق در سال ۱۳۵۴ تأسیس شد که بانیان آن که تماماً افراد متدینی بودند از موجودی این صندوق با دادن وام‌های بدون بهره سعی در برطرف کردن مشکلات مالی افراد می‌کردند.»(مصاحبه با حاج ماشاء الله رحیمی)

کمک به نهضت فلسطین

مسجد قبا نیز همانند سایر مراکز فعال علیه رژیم به شدت زیر نظر ساواک قرار گرفت. از سویی دیگر این مسجد نیز مانند سایر مراکز فعال دینی به دنبال ارسال پیامی از سوی امام خمینی در ۲بهمن ۱۳۵۵ که از مردم درخواست کمک برای امداد به مجروحین و مصیبت‌زدگان فلسطینی نموده بود، فعالیت گسترده خود را برای پیروی از فرمان امام آغاز کرد.(نیکبخت، ص ۲۰۸)

در پی صدور فرمان امام اعلامیه‌ای از سوی آیت‌الله موسوی زنجانی و دکتر مفتح در روزنامه اطلاعات به تاریخ ۱۳۵۵/۱۱/۲ به چاپ رسید. در این اطلاعیه به مجروحان و کشته شدگان جنگ‌های لبنان اشاره شده و این که حسابی به شماره ۱۱۰۶۲ در بانک ملی ایران شعبه ۳۰۷ میدان فردوسی افتتاح شده تا مردم مسلمان ایران کمک‌های نقدی خود را به این حساب واریز کنند و «برای رسیدگی به پرداخت‌ها بهتر است رسید یا فتوکپی آن چه پرداخت می‌شده به کتابخانه مسجد قبا ارسال شود.»(یاران امام به روایت اسناد ساواک ، آیت الله شهید دکتر محمد مفتح، ص ۲۹۶) مبلغ جمع‌آوری شده حدوداً پنج میلیون و هفتصد و پنجاه هزار ریال بوده که می بایست توسط حاج محمود مانیان در بیروت به شیخ نصرالله خلخالی تحویل و به نام آیت‌الله مفتح رسید دریافت گردد. (نیکبخت، صص ۲۰۹-۲۰۸) از سوی مسجد، آیت الله مفتح در اوایل سال ۱۳۵۷ سفری به لبنان داشت تا از نزدیک طرح‌هایی را که برای انجامشان مبالغی از سوی مبارزین

ایرانی ارسال شده بود مشاهده کند.

حسین مهدیان در مصاحبه‌ای آورده است که: «ما به همراه هیئتی برای کمک به آنها رفتیم و مبالغی هم جمع آوری شد و مهندس توسلی از انجمن اسلامی مهندسین صد یا صد و پنجاه هزار تومان به منزل من آورد و گفت شما دارید می‌روید، این را هم از طرف ما ببرید. ما رفتیم سوریه و آقای موسی صدر که رهبر شیعیان بودند آن موقع در دفترشان در سوریه بودند... این هئیت شامل من، شهید مفتح و بردار کوچک هاشم صباغیان بود. ما رفتیم به سوریه چون می‌دانستیم که آقای موسی صدر سوریه است. سه چهار روزی آنجا ماندیم و شهید مفتح هم با ایشان برنامه‌هایی را تدارک دیده بودند. عده‌ای از مبارزین ما در سوریه آموزش‌هایی می‌دیدند و در رفت و آمدهایشان به زینبیه با آنها برخوردهایی می‌شد. یادم هست که محمد منتظری، جلال فارسی، علی جنتی و چند نفر دیگر آنجا بودند و گاهی هم در زینبیه می‌آمدند و چون نمی‌خواستند شناخته شوند با چفیه می‌آمدند. در ملاقات‌های که انجام می‌شد، آنها اطلاعاتی از تهران و تصمیماتی که گرفته شده بود دریافت می کردند. روزی که ما می‌خواستیم به لبنان برویم، آنها هم میل داشتند به بیروت بیایند و دوره‌هایی را هم در آنجا ببینند ولی چون قاچاق رفته بودند و گذرنامه نداشتند نمی‌توانستند بروند. افرادی که با امام موسی صدر همراه می‌شدند، ماموران به احترام ایشان با گذرنامه جعلی هم افراد را راه می‌دادند.»(گفتگو با حسین مهدیان، ص ۵۶)

لازم به ذکر است حاج ماشاءالله رحیمی در طی مصاحبه با نگارنده در مورد دیگر اقدامات مثبتی که از طریق این وجوه صورت گرفت خاطر نشان می‌کند:

«شهید مصطفی چمران، امام موسی صدر و جلال الدین فارسی در مناطق اشغالی مستقر بودند. اینان هر کدام گروهی داشتند. بیشتر پول‌هایی که از سوی مسجد قبا جمع‌آوری شده بود و با خودمان برده بودیم صرف رسیدگی به ایتام شد. یادم هست که هنرستانی را تأسیس کردند که در این هنرستان بچه‌ها بعد از گذراندن دروس نظری وارد مقطع کارآموزی می‌شدند. به طور کلی بیشتر این پول‌ها را صرف امور فرهنگی می‌کردند.

□ حتی در بحبوحه انقلاب اسلامی، فعالین داخلی ایران با ارسال کمک‌های خود باعث تداوم مبارزه فلسطینیان شدند

همچنین این مبارزین علاوه بر توجه به این‌گونه امور، به مسائل نظامی هم می‌پرداختند به طوری که بخشی از این پول‌ها را صرف خرید اسلحه می‌کردند ولی به دلیل خفقان، مشکلات احتمالی و رعایت احتیاط در این مورد حتی به ما هم اطلاعاتی نمی‌دادند و ما هم به‌طور علنی با این افراد در این مورد صحبت نمی‌کردیم. فعالیت‌های آنان اگرچه در مواقع تمرینات نظامی برایمان علنی می‌شد ولی می‌توان گفت به طور کلی به دلیل شرایط حاکم فعالیت‌های نظامیشان به طور کاملاً زیرزمینی بود.»(مصاحبه با حاج ماشاء الله رحیمی)

در طول مدتی که این افراد در حال رساندن کمک‌ها به مناطق اشغالی لبنان و فلسطین بودند مأمورین ساواک نیز به شدت قضیه را پی‌گیری می‌کردند. یکی از مأموران ساواک در گزارشی از دکتر مفتح اعلام می‌دارد که وی را در زینبیه مشاهده کرده که «اظهار می‌داشت، استاد دانشگاه تهران است و پول برای [امام] خمینی آورده که به خلخالی داده است. بعداً وی را در مجلس شیعیان نزد موسی صدر دیدم.»(نیکبخت، ص ۲۳۰) از جمله اقدامات فرهنگی که مدّ نظر اینان بود، ساخت یک موسسه آموزش عالی برای شیعیان لبنان بود که تحصیل از سطح دبستان تا تحصیلات عالی را برای فرزندان شهدای شیعه لبنان با همکاری امام موسی صدر مهیا می‌ساخت.(همان، ۲۳۱)

این اقدام برای ارسال کمک به شیعیان فلسطین و لبنان، اولین حرکت سیاسی مذهبی مسجد قبا محسوب می‌شود که حساسیت ساواک را برانگیخت. به دنبال آن، دستوری به سازمان اوقاف داده شد تا نسبت به این اقدامات بی‌تفاوت نباشند و مراقبت‌های لازم اعمال شود. طبق گزارش‌های ساواک که نشان از اهمیت این مرکز دارد، دکتر مفتح و دکتر شریعتی جمعیتی به‌نام«جمعیت ساده زیستی» را به وجود آوردند که این جلسات مرکزشان در ابتدا حسینیه ارشاد بوده و سپس به مسجد قبا انتقال یافت.(همان، صص ۲۱۱-۲۱۰) با این وجود با نزدیک شدن به

روزهای پیروزی انقلاب، مسجد قبا تبدیل به فعال‌ترین کانون انقلابی تهران شد. در طول این مدت مسجد قبا علاوه بر فعالیت‌های مذکور و سخنرانی، با حضور چند صد هزار نفر از مردم مسلمان و مبارز و انقلابی به بزرگترین پایگاه اطلاع رسانی انقلاب تبدیل شده بود. علاوه بر دست‌فروشی متعدد کتب و نوارهای انقلابی در خیابان‌های اطراف و نیز پخش اعلامیه‌های متعدد، اولین اخبار از مواضع و اعلامیه‌های امام، جامعه روحانیت مبارز تهران، دانشگاه‌ها، حوزه‌ها، بازار و ... در این مسجد به اطلاع مردم می‌رسید.(نیکبخت،«رمضان ۱۳۵۷ و مسجد قبا»، ص۶۲)

نتیجه گیری

مقاله پیش رو کوشید تا به بررسی فعالیت‌های خیریه مساجد در پیوند با نهضت امام خمینی از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ بپردازد تا به سهم خود بتواند پاسخی نسبتاً روشن به سوال و ابهام اصلی مطرح شده یعنی چگونگی فعالیت این‌گونه مساجد بدهد.

در پی بررسی‌های به عمل آمده این نتیجه به دست آمد که مبارزین انقلابی از سال‌های قبل از پیروزی یکی از دغدغه‌هایشان پرداختن به مشکلات مالی نهضت و چاره‌اندیشی درباره آن بوده است. کمک به خانواده‌های زندانیان سیاسی، جنگ زدگان فلسطین، امدادرسانی به مناطق محروم و کمک در پرداخت حقوق اعتصاب کنندگان و... از مهم‌ترین جنبه‌های فعالیت مساجد و حسینیه‌ها در پیوند با نهضت امام خمینی بود. بنابراین برای مرتفع نمودن این نوع مشکلات دست به ابتکاراتی زدند که از جمله مهمترین آن تأسیس صندوق قرض‌الحسنه و اقدام به فراخوان در مجامع عمومیِ مذهبی برای دریافت هزینه ها بود. به طور کلی این گونه اقدامات نتایج متعددی را در پی‌داشت، چنان که باعث شد مبارزین با دلگرمی بیشتری در میدان کارزار سیاسی حاضر شوند و در غیاب خود چندان نگران معیشت خانواده خود نباشند. افزون بر این، با پرداخت کمک به مناطق محروم، افراد ضعیف جامعه را به سوی خود جلب کردند و بسیاری از مردم طبقات پایین جامعه نیز وارد عرصه مخالفت با رژیم شاه شدند. بدین‌ترتیب یکی از اقشاری که همواره در کنار انقلابیون حضور داشتند همین طبقات فرودست جامعه بودند. افزون

بر این از آنجایی که خیّرین مساجد هیچ‌گونه ارتباطی با حاکمیت نداشتند و به‌طور کاملاً مستقل فعالیت می‌کردند، عملکرد آنها باعث اعتماد طبقه ضعیف نسبت به این گروه‌های انقلابی شد. علاوه بر این، ارسال کمک به مبارزین ایرانی که در خارج از ایران می‌زیستند باعث روشن نگه داشتن آتش انقلاب در خارج از مرزها می‌شد؛ به‌خصوص که یکی از دغدغه‌های امام و پیروانشان مسئله فلسطین بود که از همان آغاز در کانون توجه آنان قرار داشت. از این رو ما شاهد هستیم که حتی در بحبوحه انقلاب اسلامی ایران، فعالین داخلی ایران نسبت به این موضوع بی‌تفاوت نبودند و با ارسال کمک‌های خود باعث تداوم مبارزه فلسطینیان شدند.

منابع:

الف) کتاب‌ها:

– بروجردی، مهرزاد، روشنفکران ایرانی و غرب، ترجمه جمشید شیرازی، تهران: فرزان روز، ۱۳۷۶.

– خواجه سروی، غلامرضا، خاطرات آیت الله مهدوی کنی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵.

– طاهری احمدی، محمود، تاریخ شفاهی مسجد همت تجریش، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶.

– طاهری احمدی، محمود، زندگی و مبارزات حجت الاسلام و المسلمین مصطفی ملکی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی،۱۳۸۵.

– طباطبایی، صادق، خاطرات سیاسی- اجتماعی صادق طباطبایی، «جنبش دانشجویی»جلد ۱، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶.

– قدسی زاد، پروین، تاریخ شفاهی مسجد جلیلی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳.

– مرکز اسناد انقلاب اسلامی، استاد شهید (مرتضی مطهری) به روایت اسناد، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸.

– مرکز اسناد انقلاب اسلامی، خاطرات و مبارزات شهید محلاتی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶.

– مرکز اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، حسینیه ارشاد به روایت اسناد ساواک، تهران: مرکز اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۳.

– مرکز اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، مسجد جلیلی به روایت اسناد ساواک، تهران: مرکز اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۸.
– مرکز اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، یاران امام به روایت اسناد ساواک، شهید حجت الاسلام دکتر محمد جواد باهنر، جلد۱۵، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۹.
– مرکز اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، یاران امام به روایت اسناد ساواک، شهید دکتر محمد مفتح، تهران: مرکز اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۰.
– ملائی توانی، علیرضا، زندگی نامه سیاسی آیت الله طالقانی، تهران: نشر نی، ۱۳۸۹.
– میناچی مقدم، ناصر، تاریخچه حسینیه ارشاد «مجموعه مصاحبه ها، دفاعیات و خاطرات ناصر میناچی مقدم»، تهران: انتشارات حسینیه ارشاد، ۱۳۸۴.
– نیکبخت، رحیم، زندگی و مبارزات آیت الله شهید دکتر مفتح، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴.
– هاشمی رفسنجانی، علی اکبر، دوران مبارزه، جلد ۲ ، زیر نظر مهندس محسن هاشمی، تهران: نشر معارف انقلاب ، ۱۳۷۶.

ب) مقالات:
– شیرودی، مرتضی، مسجد جلیلی و فعالیت‌های سیاسی قبل از انقلاب، فصلنامه پیام، تهران: شماره ۸۷، بی تا.
– علی حسن زاده، مهین دخت کاظمی، «صندوق قرض الحسنه» ارزیابی کارکرد در بازار پول و اعتبار کشور، ماهنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۱۶، زمستان ۱۳۸۳.
– گفتگو با حسین مهدیان، «شهید مفتح و مسجد قبا»، ماهنامه یاران، تهران: شماره ۱۴، تیر ۱۳۸۵.
– معتمدی، شیوا، بحثی درباره نظارت بر فعالیت‌های صندوق‌های قرض الحسنه: صندوق‌های قرض الحسنه «واقعی» کدامند؟ مجله بانک و اقتصاد، تهران: شماره ۳۸، مهر ۱۳۸۲.
– نیکبخت، رحیم، «رمضان ۱۳۵۷ و مسجد قبا»، ماهنامه زمانه، شماره ۲۶، تهران: سال سوم، آبان ۱۳۸۳.
– والی نژاد، مرتضی، «صندوق های قرض الحسنه» زمینه های پیدایی و روند تکوین، ماهنامه بانک و اقتصاد، تهران: شماره ۲۳، فرودین ۱۳۸۰.

ج) اسناد:
– آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده اوقاف مسجد قبا، کدبازیابی ۳۶.
– آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده آیت الله محمدرضا مهدوی کنی، کدبازیابی ۱۱۱۲.
– آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده علی قاضی، کدبازیابی ۱۲۰۶۹.
– آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده محسن افخمی، کدبازیابی ۱۲۰۷۰.

– آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده محمد صادق قاضی طباطبایی، کدبازیابی ۱۲۰۶۷.
– آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده محمد گل افشانی، کد بازیابی ۲۹۱۱.
د) مصاحبه‌ها:
– مصاحبه نگارنده با حاج ماشاالله رحیمی، مورخ ۱۳۹۱/۰۹/۲۳.
– مصاحبه نگارنده با حجت الاسلام و المسلمین عبدالمجید معادیخواه، مورخ ۱۳۹۱/۰۹/۱۵.
– مصاحبه نگارنده با دکتر ناصر میناچی مقدم، مورخ ۱۳۹۱/۰۹/۲۳.
ه) سایت‌های اینترنتی
– مهدی اسلامی، بانک اسلامی، تاسیس۱۳۵۸–انحلال ۱۳۵۸«یادداشت‌های شفاهی علی اصغر رخ صفت»، شماره ۲۷ و ۲۸ مرداد و شهریور ۱۳۸۸، WWW.Zaker.ir/article.asp
– علاء میرمحمدی، سازمان اقتصادی اسلامی، ۱۰ تیر ۱۳۸۶، WWW.Aftab.com

* بخش‌هایی از بازار مالی که در چارچوب مقررات و ضوابط نظارتی مقامات پولی(بانک مرکزی) فعالیت می‌کنند، بازار متشکل (بازار مالی رسمی) به شمار می‌آیند و بخش‌هایی از این بازار که خارج از ضوابط و مقررات تعیین شده توسط مقامات پولی فعالیت دارند، بازار مالی غیر متشکل (بازار غیر رسمی مالی) شناخته می‌شوند. بر اساس درجه رشد بازارهای متشکل پول و سرمایه در کشورهای مختلف، همواره بازار موازی با بازار مالی شکل می‌گیرد. هر چقدر که بازارهای متشکل توسعه‌نیافته‌تر، ابتدایی‌تر، محدودتر و غیرکارآتر باشند، بازار موازی گسترده‌تر می‌شود، زیرا در چنین شرایطی مردم و فعالان اقتصادی برای تامین نیازهای خود گونه‌های دیگری از مناسبات و نهاد مالی را فراهم می‌آورند. ایجاد صندوق‌های قرض‌الحسنه پیش از پیروزی انقلاب و شکل‌گیری شرکت‌های مضاربه‌ای در سال‌های پس از انقلاب، دو نمونه متفاوت از نهادهای مالی غیررسمی هستند که اولی بیشتر برای رفع نیازهای ضروری و دومی برای پاسخگویی به نیازهای تجاری مورد تجربه قرار گرفته‌اند.(والی‌نژاد، صص ۱۴-۱۳)